

مذاکرات صلح طالبان در مسکو و ابوظبی

اسماعیل باقری^۱

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره ۲، پیاپی ۷۸، تابستان ۱۳۹۸؛ صفحات ۹۷-۱۳۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۵/۲۰

چکیده

با برگزاری ۹ دور از گفت‌وگوهای رسمی صلح میان نمایندگان طالبان و زلمی خلیل‌زاد طی ماه‌های گذشته، مقامات آمریکایی درحالی همواره از پیشرفت در این مذاکرات و دستیابی به چارچوب کلی توافق داده‌اند اما تاکنون نه تنها طرفین به سند رسمی تحت نام توافق دست نیافته‌اند، بلکه اختلافات بر سر موضوعاتی نظیر اعلام آتش‌بس، زمان‌بندی خروج نیروهای خارجی از افغانستان، مذاکره طالبان با دولت کابل در خصوص آینده صلح افغانستان و... تداوم دارد. از سوی دیگر در کنار روند مذاکرات صلح و در حوزه میدانی، درگیری‌های طالبان با نیروهای امنیتی افغانستان و نیروهای خارجی شدت یافته است. دستور تعلیق مذاکرات آمریکا با طالبان از جانب ترامپ در شهریور ماه ۱۳۹۸ و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بر پیچیدگی شرایط بیش از پیش افزود. با توجه به عزم آمریکا و طالبان برای ادامه روند مذاکرات صلح و نیز ادامه برگزاری مذاکرات بین‌الافغانی و تأثیر آن بر آینده سیاسی افغانستان، نوشتار حاضر درصدد تبیین و تحلیل مذاکرات صلح طالبان در مسکو، ابوظبی و دوحه روند صلح در افغانستان و نیز ارائه چشم‌انداز مذاکرات صلح با طالبان می‌باشد.

واژگان کلیدی

گفت‌وگوهای صلح، آمریکا، طالبان، دولت افغانستان، روسیه، قطر، امارات.

۱. مدیری کارگروه مطالعاتی افغانستان و پاکستان مؤسسه اندیشه‌سازان نور



مقدمه

پس از حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱، یکی از مهم‌ترین اهداف آمریکا در افغانستان مبارزه با تروریسم در قالب مبارزه با القاعده و طالبان و شکست آنها اعلام شد. تصور «جرج دبلیو بوش»، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده این بود که به دنبال سرنگونی حکومت طالبان، به راحتی می‌تواند به اهداف اعلامی خود در افغانستان دست یابد. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ فرصتی را پدید آورد تا طالبان خود را بازسازی کند و پس از تجدید قوای طالبان، شاهد افزایش عملیات‌های طالبان علیه نیروهای خارجی و نیروهای امنیتی افغانستان شدیم. با گسترش نفوذ و عملیات‌های گروه طالبان در جغرافیای افغانستان که عمدتاً از ۲۰۰۵ شروع و به مرور زمان تداوم و شدت یافت، طوری که طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، بیشترین سربازان خارجی در اثر بمب‌های کنار جاده‌ای کشته شدند و طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ بیش از ۵۰۰ سرباز ناتو کشته شده و چند صد تن دیگر مجروح شدند. پس از افزایش تلفات نظامی نیروهای خارجی و با روی کار آمدن «باراک اوباما» به ریاست جمهوری آمریکا و اعلام راهبرد جدید این کشور در افغانستان، برای اولین بار تأکید شد که برای برچیدن تروریسم در افغانستان، باید ابتدا از پاکستان شروع کرد و به همین جهت راهبرد خود را در قالب استراتژی «پاک‌آف»، مطرح کرد و هم‌چنین برای نخستین بار از نیروهای طالب به عنوان نیروی «شورشی» و از القاعده به عنوان گروه‌های تروریست نام برد. در داخل افغانستان نیز «شورای عالی صلح» به رهبری برهان‌الدین ربانی، عهده‌دار مسؤلیت مذاکره با طالبان گردید.

آمریکا در ۲۰۱۲ بود که اعلام کرد در «ابیت‌آباد» پاکستان، اسامه بن‌لادن رهبر القاعده را به هلاکت رسانده است، اما طالبان بخشی از بدنه سیاسی افغانستان است و باید با دولت افغانستان مذاکره کند. در زمان حکومت حامد کرزی نیز تلاش زیادی شد تا با گروه طالبان مذاکرات مستقیم صورت بگیرد، اما رهبران

طالبان آن زمان نیز بر خروج نیروهای خارجی تأکید می‌کردند؛ با این حال خواسته طالبان مبنی بر داشتن آدرس مشخص برای گفت‌وگو، بنوعی تحقق یافت و با چراغ سبز واشنگتن، دفتر سیاسی طالبان در سال ۲۰۱۳ در دوحه پایتخت قطر گشایش یافت. در آن زمان دولت افغانستان با مشاهده مذاکرات مخفیانه طالبان و آمریکا و احتمال نادیده گرفته شدن منافع کابل در مذاکرات مذکور و نیز مخالفت با نصب تابلوی «امارت اسلامی افغانستان» توسط طالبان بر سر در دفتر این گروه در قطر؛ اعلام نمود که در گفت‌وگوهای صلح شرکت نخواهد کرد.

با انتخاب «دونالد ترامپ» به عنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکا، اهداف استراتژی دولت او در قبال افغانستان بر محور «مبارزه با طالبان و شکست آنها»، «کاهش حداکثری حضور نیروهای آمریکا در افغانستان»، «کاهش هزینه مالی و جانی ناشی از حضور نیروها در جنگ افغانستان»، «وادار کردن طالبان به شرکت در گفت‌وگوهای صلح» بنا گذارده شد. از طرف دیگر، طالبان نیز با توجه به این که طی سال‌های گذشته متوجه شده بود که نمی‌تواند صرفاً از طریق نظامی به اهداف خود دست یابد، همواره درخواست گفت‌وگوی مستقیم با مقامات آمریکایی را مطرح کرده بود.

از نظر طالبان، برگزاری مذاکرات بین‌المللی، برای مبارزان جهادی آنها و امارت اسلامی، مشروعیت به همراه داشته و از آنجا که همواره دولت افغانستان بخشی از چنین مذاکراتی نبوده است، «امارت اسلامی» مشروعیت دیپلماتیک را در جایگاه یک شریک بین‌المللی و تنها نماینده افغانستان کسب می‌کند. اما آمریکا می‌خواهد دولت کابل را وارد جریان مذاکرات خود با طالبان نماید و هم با تضعیف بیشتر طالبان، آنها را با ظرفیت و توانایی محدود بر سر میز گفت‌وگو بکشد تا از این طریق، بیشترین امتیاز ممکن را از آنها بگیرد. بر خلاف خواسته آمریکا، طالبان روز به روز بر قدرت و حوزه نفوذ خود افزوده است طوری که طبق گزارش مقامات آمریکایی، دولت افغانستان فقط بر ۵۵ درصد از خاک کشور کنترل و نفوذ دارد. با توجه به اینکه جریان‌های متعددی در طالبان حضور دارند،



برخی از آنها تمایلی به مذاکره با آمریکا ندارند و کماکان اقدام به عملیات علیه نیروهای امنیتی کشور و نیروهای آمریکایی می‌نمایند. به همین دلیل فشار آمریکا بر پاکستان به عنوان حامی اصلی طالبان فزونی گرفت تا اسلام‌آباد با توجه به نفوذی که بر طالبان دارد، آنها را جهت حضور در میز مذاکرات صلح و مشارکت مشروع در قدرت سیاسی افغانستان راضی نماید. در این قالب بود که نه دوره مذاکرات رسمی صلح طالبان و آمریکا در دوران ریاست جمهوری ترامپ در قطر و امارات برگزار گردید (محمودی، ۱۳۹۷). به موازات این نشست‌ها در قطر، روسیه نیز در قالب گفت‌وگوهای بین‌الافغانی اقدام به برگزاری نشست میان طالبان و برخی چهره‌های سیاسی افغانستان در مسکو نمود تا از این طریق تلاش کند با افزایش جایگاه خود در آینده صلح افغانستان، به آمریکا متذکر شود که برگزاری مذاکرات صلح در قطر و امارات تنها مسیرهای دیپلماتیک مذاکره صلح در قبال آینده افغانستان نیستند.

چارچوب مفهومی

مسئله‌ای که باید در این نوشتار بدان تأکید کرد این است که هدف آمریکا از مذاکرات با طالبان، اعلام یک دستاورد برای بهره‌برداری از آن در انتخابات نوامبر ۲۰۲۰ در آمریکا و نیز کاهش نیروهای نظامی خود و تقلیل هزینه‌های مالی و تلفات خود در افغانستان است. طوری که «بروس ریدل» افسر سابق سازمان اطلاعات آمریکا (سیا)، می‌گوید «دونالد ترامپ تصمیم دارد به گونه‌ای از جنگ طولانی مدت افغانستان خارج شود و برای کاهش هزینه‌های نظامی و تلفاتش می‌خواهد نیروهای خود را در افغانستان کاهش دهد و به همین جهت خواهان مذاکره صلح با طالبان است.» اما این که آمریکا تماماً از افغانستان خارج شود و پایگاه‌های نظامی را در اختیار طالبان قرار دهد، امری غیرمنطقی به نظر می‌رسد.

نکته دیگر این که زمانی که ترامپ در سال گذشته استراتژی خود در جنوب آسیا و افغانستان را اعلام کرد، سخنی از دموکراسی یا ایجاد دولت-ملت‌سازی

در این کشور نکرد و تأکید کرد که ما چک سفید به افغانستان ندادیم و این شرایط افغانستان است تعیین می‌کند که تا چه زمانی در افغانستان بمانیم و همانند رؤسای جمهور پیشین آمریکا (بوش و اوباما)، دوباره بر مبارزه با تروریسم تأکید کرد. در واقع صلح با طالبان به معنای پایان جنگ و خشونت‌ها در افغانستان نیست و اساساً مذاکره صلح آمریکا با طالبان، نوعی مذاکره «جنگ‌سالار با جنگ‌سالار» دیگر است. نه آمریکا امنیت افغانستان برایش اهمیت دارد و نه طالبان دنبال دموکراسی و حکومت معتدل در این کشور است و این احتمال که پس از رسیدن طالبان به قدرت، تسویه حساب‌های خونین قومی شروع شود، دور از ذهن نیست؛ چرا که واگرایی قومی و تضاد قومیتی و سیاسی، هم‌چنان نمود بیشتری در رویکردهای طالبان دارد و این امر مانع از برقراری امنیت در افغانستان می‌شود.

باید به این مسئله توجه جدی داشت که روند مذاکرات طالبان و آمریکا در حالی پیگیری می‌شود که دو طرف مذاکره علیرغم وجود برخی تفاوت‌ها، دارای ویژگی‌های مشترکی نیز می‌باشند. در واقع، آمریکا به عنوان کشوری که همواره در پی ایجاد جنگ و بی‌ثباتی در منطقه غرب آسیا از جمله افغانستان بوده است، وجه مشترک مهمی با طالبان دارد و آن، «جنگ طلبی» این دو بازیگر حاضر در پای میز مذاکرات صلح افغانستان می‌باشد که ماحصل آن کشتار حدود ۴ هزار غیرنظامی تنها در سال ۲۰۱۹ (۱۳۹۸) است. حمله آمریکا به افغانستان به بهانه عدم تحویل بن لادن توسط طالبان به آمریکا در سال ۲۰۰۱ نقطه آغاز این روند توسط واشنگتن بود و در ادامه، اعتقاد کاخ سفید به ادامه مداخله و راه حل نظامی بجای استفاده از راهکار سیاسی در افغانستان موجب گسترش ناامنی، بی‌ثباتی و کشتار تعداد بی‌شماری از شهروندان بی‌گناه این کشور گردید. طالبان نیز که از آغاز فعالیت خود، به جنگ جهت دستیابی به اهدافش باور دارد، رویکرد جنگ‌سالاری را پیشه خود کرده که از نتایج آن کشتار شهروندان افغانستان و



گسترش ناامنی‌ها بوده است. نکته قابل تامل این است که جایگاه جنگ سالاری میان آمریکا و طالبان به میزانی است که دو طرف طی بیش از یک سال اخیر و در جریان روند مذاکرات صلح حاضر نشدند که ابزار نظامی علیه یکدیگر را کنار بگذارند و به همین دلیل شاهد عملیات‌های آمریکا علیه طالبان و بالعکس بودیم. نتیجه‌ای که از این واقعیت حاصل می‌شود این است که دو بازیگر مذکور، ویژگی مشترکی به نام «جنگ طلبی» دارند و همین مسئله موجب شده تا نتوان چشم‌انداز روشنی نسبت به روند مذاکرات آمریکا با طالبان ترسیم کرد و بدون شک پس از امضای توافق‌نامه صلح نیز، ناامنی‌ها و جنگ به نحو دیگری تداوم خواهد یافت؛ به دلیل این که هیچ یک از طرف‌های مذاکره قابل اعتماد نبوده و اساساً نگاه جامع و مانعی به مسئله صلح ندارند. در نهایت باید گفت که یکی از دلایل اصلی تداوم ناامنی و بحران در افغانستان، سیاست‌های متناقض و نادرست آمریکا و ناتو در این کشور بوده و اختلافات داخلی نیز موجب شده تا طالبان فرصت قدرت‌نمایی داشته باشد.

در زیر به بررسی و تحلیل روند مذاکرات مذکور پرداخته خواهد شد.

۱. روند مذاکرات صلح افغانستان در قطر، امارات و روسیه

ژپس از برگزاری ۹ دور از گفت‌وگوهای رسمی طالبان و آمریکا در قطر و امارات متحده عربی، و علی‌رغم اینکه زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه آمریکا در روند صلح افغانستان همواره عنوان کرده است که نمایندگان ایالات متحده و طالبان درخصوص چارچوب کلی صلح به توافق رسیده‌اند و پیش‌نویس این توافق شامل برنامه خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، برقراری آتش‌بس (توقف جنگ)، و مذاکره درباره مناصب و پست‌ها) و مقابله با حضور گروه‌های بین‌المللی تروریستی در افغانستان می‌باشد، اما تاکنون، نتایج مذاکرات دو طرف نهایی نشده است و حتی شاهد تعلیق روند گفت‌وگوها به دستور ترامپ بودیم. در ضمن، نمایندگان طالبان به موازات مذاکرات با آمریکا، ضمن



حضور در مذاکرات صلح مسکو و گفت‌وگو با نمایندگان احزاب و گروه‌های سیاسی افغانستان، اقدام به مذاکره با آنها نمودند. در ذیل به بررسی مختصر گفت‌وگوهای برگزار شده در قطر، امارات و روسیه می‌پردازیم.

۲. دور اول و دوم گفت‌وگوهای طالبان و آمریکا در دوحه

گروه طالبان با چراغ سبز آمریکا در سال ۱۳۹۲ اقدام به افتتاح دفتر سیاسی خود در دوحه قطر نمود. از همان زمان مشخص بود که طالبان تمایلی به گفت‌وگو با دولت کابل ندارند، بلکه می‌خواهند با آمریکایی‌ها وارد مذاکره مستقیم شوند. پس از اینکه اوباما دستور خروج بخش عمده‌ای از نیروهای آمریکایی از افغانستان را صادر نمود، طالبان در مواضع خود راسخ‌تر گردید، اما دولت اوباما در این زمینه به دستاورد خاصی دست نیافت. پس از اعلام استراتژی ترامپ در قبال افغانستان و عدم دستیابی این استراتژی به اهداف مدنظر، گسترش قدرت طالبان در داخل افغانستان و برگزاری گفت‌وگو میان طالبان و برخی از کشورهای منطقه بویژه روسیه، آمریکا تصمیم به برگزاری مذاکرات صلح با طالبان گرفت و به همین منظور، زلمی خلیل‌زاد به عنوان فرستاده وزارت امور خارجه آمریکا در این مذاکرات در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۸ به دوحه سفر کرد. این برای نخستین بار بود که یک نماینده ارشد آمریکایی به صورت رسمی جهت گفت‌وگو با طالبان به قطر سفر می‌نمود. اولین نشست میان دیپلمات‌های آمریکا و نمایندگان طالبان در تاریخ ۱۲ اکتبر سال ۲۰۱۸ در دوحه قطر برگزار شد؛ نشست دوم ۱۶ نوامبر سال ۲۰۱۸ در همین شهر برگزار گردید.

خواسته‌های طالبان در این مذاکرات عبارت بودند از: خروج نیروهای خارجی از افغانستان، حذف نام این گروه از لیست سیاه گروه‌های تروریستی سازمان ملل و آمریکا، ارائه تضمین توسط سازمان ملل و سازمان همکاری اسلامی جهت عملی شدن توافقات صلح، آزادی زندانیان طالبان از زندان. آمریکا نیز بر ضرورت تأمین اهدافی مانند برگزاری مذاکره میان طالبان و دولت کابل و نیز





برقراری آتش بس در افغانستان تأکید نمود. دور اول و دوم گفت وگوهای طالبان و آمریکا در دوحه بدون دستیابی به نتایج خاصی پایان پذیرفت.

۳. دور سوم گفت وگوهای طالبان و آمریکا در ابوظبی

نشست ابوظبی در ۱۷ دسامبر سال ۲۰۱۸ میان دیپلمات‌های آمریکا و نمایندگان طالبان در شهر «ابوظبی» امارات متحده عربی برگزار شد. در سومین دور مذاکرات صلح، نمایندگانی از طالبان، نمایندگان آمریکا و نمایندگانی از کشورهای پاکستان، عربستان و امارات شرکت داشتند. یکی از تفاوت‌های عمده نشست ابوظبی با دو نشست قبلی در دوحه این بود که علاوه بر نمایندگان دفتر سیاسی طالبان در قطر، نمایندگانی از شاخه‌های نظامی این گروه نیز در این نشست شرکت داشتند. همچنین برای نخستین بار بود که نمایندگان عربستان سعودی، امارات متحده عربی و پاکستان (به عنوان حامیان حکومت طالبان در اواخر دهه ۱۹۹۰) در به صورت همزمان در گفت وگوهای آمریکا و طالبان شرکت کردند. تغییر محل مذاکرات از دوحه به امارات در نتیجه تلاش‌های امارات متحده عربی برای جلب مشارکت عربستان سعودی در این گفت وگوها صورت پذیرفت. (euronews.com, ۲۰۱۸)

در واقع، انتخاب امارات برای نشست سوم، به تیرگی روابط قطر با عربستان سعودی و امارات متحده عربی مرتبط بود. دولت افغانستان نیز هیئت گفت وگو کننده حکومت به رهبری «عبدالسلام رحیمی» را به نشست مذکور فرستاد. البته اشرف غنی، اواخر ماه نوامبر ۲۰۱۸ با هدف نشان دادن آمادگی دولت برای شرکت در گفت وگوهای صلح و تلاش دیپلماتیک برای آوردن طالبان بر سر میز مذاکره، دستور تشکیل تیم مذاکره کننده ۱۲ نفره را صادر کرده بود. اما طالبان در ابوظبی هم اعلام کردند که حاضر به گفت وگو با نمایندگان دولت افغانستان نیستند. چرا که معتقدند که این دولت مشروعیت ندارد و از سوی دولت‌های خارجی به افغان‌ها تحمیل شده است. در این زمان نیز خروج نیروهای بین‌المللی

از افغانستان، شرط طالبان برای گفت‌وگو با دولت کابل اعلام شد. زلمی خلیل‌زاد هدف از برگزاری نشست ابوظبی را پایان جنگ افغانستان و زمینه‌سازی برای آغاز مذاکرات صلح میان خود افغان‌ها مطرح نمود. طالبان در نشست ابوظبی از آمریکا خواستند که زمان و مراحل خروج نیروهایش از افغانستان را مشخص کند، رهبران طالبان از فهرست سیاه سازمان ملل و آمریکا خارج نمایند، زندانیان طالبان آزاد کند و دفتر طالبان در قطر را به رسمیت بشناسد.

خبرگزاری رویترز به نقل از منابع طالبان گزارش داد که زلمی خلیل‌زاد از نمایندگان طالبان خواسته تا روی یک «آتش‌بس» شش ماهه توافق کند و نمایندگان خود را برای «تشکیل دولت موقت» معرفی نمایند که احتمالاً در پی توافق با طالبان ایجاد خواهد شد. نمایندگان طالبان در نشست ابوظبی به نمایندگان آمریکا مطرح کردند که اگر دولت‌های عربستان، امارات متحده عربی و پاکستان ضمانت بدهند که رهبری دولت موقت را گروه طالبان معرفی کند، این گروه حاضر است آتش‌بس شش ماهه را بپذیرد. (Sediqi, ۲۰۱۹)

همچنین بر اساس طرح صلحی مرکز تأثیرگذار تحقیقاتی رند (RAND) در آمریکا، موضوعاتی مانند توافق سیاسی با طالبان، حکومت موقت و تغییر در قانون اساسی و... مطرح گردید (وحید مژده، ۱۳۹۷).

مقامات پاکستانی از جمله عمران خان، نخست‌وزیر این کشور، دولت افغانستان را مانع اصلی صلح و دلیل به بن‌بست کشاندن مذاکرات صلح با گروه طالبان اعلام و مطرح کرد که راه حل خروج از بن‌بست برای افغانستان، تشکیل دولت موقت در این کشور است. با انتشار این اخبار، دولت افغانستان اعلام کرد که مردم این کشور معامله عجولانه‌ای که قربانی‌های مردم افغانستان را نادیده بگیرد، نمی‌پذیرند. در ضمن، هیچ کشور یا فردی حق و صلاحیت بحث درباره ساختارهای جدید حکومتی برای افغانستان از جمله تقسیمات سیاسی را ندارد. البته هم خلیل‌زاد و هم گروه طالبان موضوع تشکیل حکومت موقت را رد کردند.



از دید آمریکا تشکیل دولت موقت زمانی باید طرح شود که گفت‌وگوها با طالبان به مرحله‌ای برسد که رهبران طالبان بتوانند با نمایندگان حکومت و رهبران احزاب سیاسی مذاکرات خود را به طور مستقیم و چهره به چهره پیش‌برده و سپس روی مختصات تشکیل دولت موقت بحث و توافقات صورت گیرد. سرور دانش، معاون دوم آقای غنی مطرح کرد که «افغانستان مذاکرات صلح را بدون قید و شرط اعلام کرده، اما تحقق صلح را غیرمشروط نمی‌داند، زیرا صلح قبل از اینکه یک مسئله حکومتی باشد، یک موضوع ملی است. به همین دلیل شرایط و دیدگاه‌های ملت افغانستان باید در نظر گرفته شود.» او همچنین تأکید کرده که «صلح باید به تقویت نظام سیاسی، پایداری و توسعه آن بیانجامد. اگر کسی این تصور را داشته باشد که صلح به انحلال دولت و ماشین ملکی (غیر نظامی) و نظامی آن منجر می‌شود، سخت در اشتباه است. نظام حاکمیت ملی به آرای مستقیم یا غیرمستقیم مردم تعلق دارد و برخاسته از انتخابات عمومی و عادلانه است. نظام‌هایی از نوع «امارت» یا مانند آن با قرائت‌هایی که طالبان داشته‌اند، در مغایرت با این ارزش حقوقی و سیاسی بوده و برای مردم افغانستان غیر قابل قبول است.» (www.bbcnews.com)

در گفت‌وگوهای ابوظبی، هیئت طالبان به طور جدی، پیگیر ارائه زمان‌بندی خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان بودند؛ اما طرف آمریکایی اجابت این درخواست را منوط به دولت افغانستان و موافقت‌نامه استراتژیک میان افغانستان و آمریکا عنوان نمود. بدین معنا که خلیل‌زاد در خصوص خروج نیروهای ناتو و آمریکا از افغانستان تأکید کرده بود که واشنگتن با کابل، موافقت‌نامه امنیتی استراتژیک امضاء کرده و دولت کابل باید درباره لغو این موافقت‌نامه و یا ادامه آن تصمیم بگیرد. شایان ذکر است که براساس موافقت‌نامه امنیتی میان افغانستان و آمریکا اجازه حضور قانونی به نیروهای آمریکا در افغانستان را اعطاء کرده است. با توجه به اصرار طالبان به خواسته‌هایشان و برخورد آمریکایی‌ها با آن‌ها، نشست

سه روزه ابوظبی بدون رسیدن به توافق خاصی پایان پذیرفت.

۴. دور چهارم و پنجم مذاکرات طالبان و آمریکا در دوحه

پس از اینکه طالبان پیشنهاد مذاکره در «جده» و «اسلام آباد» را نپذیرفت، چهارمین دور گفت‌وگوها نیز در ۱۹ ژانویه سال ۲۰۱۹ در دوحه قطر برگزار شد. در این دور از مذاکرات، اعلام شد که طرفین در خصوص پیش‌نویس اولیه توافقات، به تفاهم رسیدند. پنجمین دور مذاکرات در ۲۵ فوریه ۲۰۱۹ (اوایل اسفند ۱۳۹۷) آغاز شد. در دور پنجم مذاکرات دوحه قرار بود در خصوص این مسائل گفت‌وگو شود: «خروج نیروهای خارجی از افغانستان»، «تضمین طالبان در خصوص اینکه از خاک افغانستان حمله یا تهدیدی علیه منافع آمریکا و متحدانش صورت نمی‌پذیرد»، «اعلام آتش‌بس میان دولت افغانستان و طالبان»، «مذاکره میان دولت کابل و طالبان» که همواره مورد مخالفت این گروه واقع شده است. «شیرمحمدعباس استانکزی»، سرپرست نمایندگان مذاکره‌کننده طالبان را در پنجمین دور مذاکرات صلح برعهده داشت. استانکزی در سال ۲۰۱۴ به عنوان رئیس دفتر سیاسی طالبان در قطر تعیین شد و تا اوایل سال ۲۰۱۹ در این سمت باقی ماند. استانکزی در زمان حکومت طالبان، به عنوان معاون بخش ارتباطات خارجی طالبان در قندهار فعالیت می‌کرد و سپس به عنوان معاون وزارت امور خارجه طالبان در کابل و بعداً به عنوان معاون وزارت بهداشت طالبان فعالیت نمود. در کنار شیرمحمدعباس استانکزی، «ملاعبدالغنی برادر» نیز بر کار هیأت مذاکره‌کننده نظارت می‌کرد. ملابرادر، فرد شماره دو طالبان نیز در این نشست حضور داشت. ملاعبدالغنی برادر یکی از چهار مؤسس اصلی جنبش طالبان در سال ۱۳۷۳ بوده است که در سال ۱۳۸۹ در شهر کراچی پاکستان بازداشت شد. در حقیقت، ملاعبدالغنی برادر در حلقه اصلی تصمیم‌گیری طالبان قرار دارد و یک رده پایین‌تر از رهبر سابق طالبان «ملا عمر» در رهبری طالبان حضور داشت، مشارکت او در دوحه باعث افزایش وزن هیأت طالبان شده بود. به‌ویژه که او



مسئولیت «کمیسیون سیاسی» طالبان در دوحه را نیز به عهده داشت و مذاکره کننده اصلی طالبان هم بود. بدون شک آزاد شدن ملابرادر و سپس مشارکت وی در دور پنجم نشست دوحه نشان از پیشرفت مذاکرات داشته و این که طالبان در مذاکرات جدی هستند و همچنین نقش سازنده پاکستان را بازتاب می‌دهد. پاکستان ملا برادر را در سال ۲۰۱۰ زندانی و درست در ماه اکتبر ۲۰۱۸ زمانی که تلاش آمریکا برای گسترش مذاکرات آغاز شد، وی را آزاد کرد. این انتصاب همچنین نقش قطر را به عنوان محل اصلی برگزاری مذاکرات صلح، با وجود تلاش کشورهای دیگر منطقه، برای نقش آفرینی به عنوان میانجی، تثبیت کرده است.

طالبان قبلاً اعلام کرده بود که ملا برادر در این دور از مذاکرات شرکت نخواهد کرد، چرا که خواهان حضور وزیر امور خارجه آمریکا در این گفت‌وگوها است. اما در نهایت، برای آنچه پیشبرد مذاکرات صلح با آمریکا خواند، در این مذاکرات شرکت کرد. هم‌چنین ملاخیرخواه، وزیر داخله سابق طالبان که توسط نیروهای آمریکا دستگیر و در گوانتانامو زندانی شد، دیگر فرد سرشناس طالبان در این مذاکرات بود. در بین اعضای جدید تیم طالبان، تعدادی از جمله «ملا فاضل» هنوز در لیست سیاه شورای امنیت سازمان ملل قرار دارند. «انس حقانی» فرزند «جلال‌الدین حقانی» از فرماندهان سابق جهادی عضو جدید تیم نیز در زندان دولت افغانستان بسر می‌برد. به هر حال، آمریکا زمینه حضور ملابرادر در مذاکرات را فراهم کرد تا اینگونه تمایل خود را برای همراهی با روند موجود مذاکرات نشان دهد. آمریکا معتقد است حضور ملابرادر در مذاکرات به عنوان فردی که به رهبری طالبان نیز نزدیک است، نوعی پیشرفت محسوب می‌شود.

باید توجه داشت که زمزمه صلح با طالبان ۱۰ سال است که ادامه دارد و واشنگتن تاکنون به این میزان به حلقه مرکزی طالبان نزدیک نشده بودند. دولت کابل نیز از گذشته خواهان حضور ملابرادر در مذاکرات بود و طالبان خواهان جدی آزادی وی از زندان بود. آمریکایی‌ها اعلام کردند که حضور ملابرادر

فرصتی استثنایی برای پیشبرد روند صلح فراهم کرد. در حالی که در گذشته ملابرادر تحت تعقیب آمریکا بود و حتی به عنوان شکار هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی محسوب می‌شد، اما در نشست صلح حضور پیدا کرد و با زلمی خلیل‌زاد که تا پیش از آن با وی ملاقاتی نداشت، ناهار کاری صرف کرد تا طرفین زبان مشترکی برای مذاکرات بیابند. در این دور از گفت‌وگوها تیم‌های فنی برای تبادل نظر تشکیل شدند. چنین بیان شد که نروژ به عنوان کشور بی‌طرف نیز می‌تواند در تهیه متون حقوقی نقش داشته باشد و به دو طرف مذاکره در زمینه مفاهیم حقوقی کمک کند.

شیرمحمدعباس استانکزی، رئیس هیأت طالبان در واکنش به عدم تمایل این گروه به مذاکره با دولت افغانستان اعلام کرد دولت، نماینده واقعی مردم افغانستان نیست؛ بلکه سایر گروه‌ها نماینده واقعی هستند. دولت افغانستان که همواره و در جریان گفت‌وگوهای طالبان با آمریکا اعلام کرده است نتایج نشستی که نمایندگان دولت و نظر کشورهای منطقه در آن لحاظ نشده باشد را نمی‌پذیرد، در واکنش به دور پنجم گفت‌وگوها اعلام کرد تعداد تیم مذاکره کننده دولت نیز در حال گسترش است. به هر حال، عدم حضور دولت در مذاکرات موضوعی تأثیرگذار بر مذاکرات بود، چرا که دولت کابل به عنوان یکی از طرفین اصلی جنگ افغانستان محسوب می‌شود و غیبت آن در گفت‌وگوها موضوعی چالش برانگیز می‌باشد.

در دور پنجم مذاکرات مطرح شد که احتمالاً راه‌حل بینابینی پیش گرفته شود که طبق آن هیأتی از برخی از اعضای دولت و هم تعدادی از افرادی که پیشینه مذاکره با طالبان دارند یا مورد وثوق طالبان هستند، تشکیل شود تا به نمایندگی از دولت با این گروه مذاکره کند. البته مذاکرات برای دو روز متوقف شد که می‌تواند به دلیل تنش میان هند و پاکستان درخصوص حمله انتحاری به نیروهای



هندی و کشته شدن بیش از ۴۰ سرباز این کشور در کشمیر*، اختلاف طرفین مذاکره کننده، و یا خستگی ناشی از مذاکرات ۱۴ تا ۱۵ ساعته باشد.

در دور پنجم درخصوص دو موضوع پیشرفت حاصل گردید که عبارت بود از: «خروج نیروهای خارجی و نیروهای آمریکایی از افغانستان»، «تضمین طالبان درخصوص قطع رابطه با القاعده و مبارزه با داعش». اما خلیل زاد دو موضوع «آتش بس» و «لزوم مذاکره طالبان با دولت کابل» را نیز اضافه کرد که البته از جانب طالبان رد شد. در واقع طالبان در دور پنجم بر خروج نیروهای آمریکایی تأکید داشتند، اما خلیل زاد معتقد به حل «همه یا هیچ» معتقد است؛ به این معنا که یا درخصوص همه موارد در جزئیات به توافق برسیم یا هیچ توافقی صورت نگیرد. اما خواسته طالبان این است که طبق آنچه دستورالعمل دو ماده‌ای خارجی و داخلی می‌خواند، معتقد است اول بایستی موارد خارجی یعنی: موضوع خروج نیروهای خارجی از افغانستان و ارائه تضمین به عدم استفاده از خاک افغانستان جهت تهدید منافع آمریکا و متحدانش مورد حل و فصل قرار بگیرد و سپس درخصوص موارد داخلی که شامل گفت‌وگو با دولت کابل و آتش بس است، مذاکرات پیش برده شود. در ضمن، بایستی در ابتدا درخصوص یک جدول زمانی خروج به توافق برسیم.

در مقابل، آمریکا معتقد است در هر مورد از گفت‌وگوها، باید از آتش بس و گفت‌وگو با دولت کابل حرف بزنیم. در نهایت و با پایان دور پنجم گفت‌وگوها، بحث در ارتباط با موضوعات مربوط به جدول زمانی خروج نیروهای آمریکا لاینحل ماند و به دور بعدی مذاکرات موکول گردید اما طرفین در مورد مبارزه با تروریسم و قطع رابطه طالبان با القاعده به تفاهم رسیدند. شایان ذکر است که موارد مذکور همگی در حد پیشرفت در مذاکرات مطرح شدند و لذا سندی تحت

* در جریان عملیات تروریستی ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن ۱۳۹۷) به اتوبوس حامل افسران نظامی هند در منطقه «پلواما» در نزدیکی مرز کشمیر، بیش از ۴۰ نفر کشته شدند. گروه تروریستی «جیش محمد» مسئولیت این حمله را به عهده گرفت.

نام توافق میان آمریکا و طالبان در این دور از نشست‌ها نیز ایجاد و تأیید نگردید. در خصوص دور پنجم گفت‌وگوهای صلح میان آمریکا و طالبان در قطر چند نکته کلیدی وجود دارد:

✓ اول اینکه آمریکایی‌ها به‌ویژه دونالد ترامپ به دلایل مختلف (نظیر کاهش هزینه‌های مالی و تلفات نظامی، اعلام پیروزی در افغانستان، خروج سربازان آمریکایی از افغانستان و حفظ دستاوردها) خواهان توافق جدی با طالبان هستند و به همین جهت نمی‌خواهند موعد مقرر شش ماهه برای صلح با طالبان را طولانی کنند. به‌ویژه باید توجه داشت که ملابرادر جزو رهبران تصمیم‌گیرنده گروه طالبان افغانستان محسوب می‌شود و به نظر می‌رسد توافقاتی هم صورت گرفته باشد، اما به دلایل واکنش‌های منفی در داخل افغانستان و حتی منطقه، اشاراتی به جزئیات توافقات نمی‌شود.

✓ مسئله دومی که در نشست پنجم مذاکرات مطرح شد، انجام مذاکره نمایندگان طالبان با نمایندگان حکومت افغانستان است که منوط به توافقات طالبان با آمریکایی‌ها و اجرای آتش‌بس شده است. ظاهراً توافقاتی صورت گرفته است تا نمایندگانی از طالبان با نمایندگان دولت افغانستان درباره موضوعات صلح مشورت کنند، اما موضوعی که در این بین مطرح است، اینکه نظام سیاسی مدنظر طالبان متفاوت از نظام سیاسی فعلی خواهد بود.

✓ مسئله سومی که آینده مذاکرات را مبهم می‌سازد، موضوع همکاری طالبان در کار مبارزه با القاعده و گروه تروریستی داعش در افغانستان است. این مسئله نشان می‌دهد که حتی پس از به سرانجام رسیدن مذاکرات با طالبان، موضوع مبارزه با تروریسم به نحو دیگری تداوم خواهد یافت. چطور که زلمی خلیل‌زاد نماینده ویژه آمریکا در روند صلح افغانستان اعلام کرد که «صلح با طالبان نمی‌تواند منجر به پایان جنگ شود و ما راه‌حل سیاسی را جست‌وجو می‌کنیم، اما به دنبال خروج از افغانستان نیستیم.» (خبرگزاری تسنیم، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۸)



دونالد ترامپ مدعی است پس از خروج ۷ هزار سرباز آمریکایی، مبارزه با تروریسم را با قدرت بیشتری پیش خواهیم برد. به همین دلیل روس‌ها نسبت به فرجام مذاکرات آمریکا با طالبان خوش‌بین نبوده و خواهان حضور جدی در فرآیند مذاکرات هستند. (در واقع پیش‌بینی می‌شود پس از توافقات، به جای دولت اشرف غنی طالبان بیاید و به جای طالبان، با داعش یا القاعده مبارزه صورت گیرد. پس تنها کارکرد گروه‌ها و دولت تغییر خواهد کرد.

✓ نکته دیگر اینکه طالبان هم در مذاکرات با آمریکایی‌ها حضور جدی دارد و هم در نشست مسکو، به نوعی تلاش کرده است رویکردها و روندهای خود را بر رهبران سیاسی و حتی جهادی افغانستان دیکته کند، طوری که مهم‌ترین منتقدین گروه طالبان در نشست مسکو نیز از تغییر رویکردهای طالبان حرف زدند و اعلام کردند که طالبان به دنبال رعایت حقوق زنان و مردم در افغانستان است، اما موضوعی که باید به آن توجه داشت این است که هر مذاکره‌ای که با رویکرد آمریکایی‌ها در افغانستان شکل بگیرد، بدون شک جامع و بی‌نقص نخواهد بود، چرا که معیارهای آمریکا در خصوص تروریسم، امنیت و صلح، بر اساس منافع واشنگتن صورت می‌گیرد نه لزوماً منافع افغانستان. به همین جهت، همچنان که آمریکا طی سال‌های پس از ۲۰۰۱ از مبارزه با القاعده و سپس طالبان سخن می‌گفت، اکنون نیز شرایط طوری ایجاب کرده است که منافع خود را در صلح و مذاکره جست‌وجو می‌کند، اما باید خاطر نشان کرد که صلح مدنظر آمریکا برای افغانستان امنیت‌زا و ثبات‌آفرین نخواهد بود. (باقری، ۱۳۹۷)

۵. دور ششم مذاکرات طالبان و آمریکا در دوحه

ششمین دور مذاکرات صلح آمریکا با نمایندگان گروه طالبان در اردیبهشت ۱۳۹۸ در دوحه آغاز شد و ۹ روز به طول انجامید. آغاز مذاکرات بین‌الافغانی، آتش‌بس، تعیین جدول زمانی خروج نیروهای خارجی و عدم تهدید سایر کشورها از خاک افغانستان از محورهای اساسی دور ششم مذاکرات آمریکا با طالبان بودند. اما در





عمل، طی برگزاری دور ششم، صحبتی درخصوص آتش‌بس و نشست بین‌افغانی مطرح نشد. علی‌رغم انتظار برخی کارشناسان در دور ششم مذاکرات آمریکا با طالبان که حداقل در مورد یکی از محورهای یاد شده توافقاتی بین دو طرف باید صورت می‌گرفت، اما این دور از مذاکرات نیز با شکست روبرو شد؛ زیرا هیچ پیشرفتی درباره محورهای یاد شده حاصل نگردید و دو طرف از کشیده شدن احتمالی مذاکرات به دور هفتم خبر دادند. خلیل‌زاد، رئیس هیئت مذاکره‌کننده آمریکا در صفحه توئیتر خود مطرح کرد که در این مذاکرات، دو طرف به پیشرفت‌های در زمینه تعیین یک چارچوب برای پایان درگیری‌ها دست یافته‌اند؛ پیشرفت‌های جدی، ولی آهسته در مورد ابعاد تعیین چارچوب ختم جنگ در افغانستان حاصل شده است، اما مشکلات در جزئیات وجود دارد. بنابراین در دور ششم مذاکرات، طالبان به لزوم تعیین جدول زمانی خروج نیروهای خارجی از افغانستان اصرار داشت، اما آمریکا نخست خواستار آغاز مذاکرات بین‌افغانی و برقراری آتش‌بس در این کشور بود. در چنین شرایطی و علی‌رغم برگزاری شش دور از مذاکرات اختلافات بسیار جدی بین طالبان و آمریکا بر سر جای خود باقی ماند. البته همزمان با برگزاری ششمین دور مذاکرات صلح آمریکا با طالبان، دولت افغانستان لویه جرگه مشورتی صلح را در کابل برگزار کرد تا حدود و چارچوب مذاکرات دولت این کشور با گروه طالبان تعیین شود، اما گروه طالبان حاضر نشد با دولت کابل مذاکره کند. در ضمن، شرکت‌کنندگان در لویه جرگه مشورتی از طالبان خواستند تا از اول ماه رمضان آتش‌بس اعلام کنند، اما طالبان پیشنهادات این جرگه را رد کرد و همزمان با آن حملات انتحاری و انفجاری را در برخی ولایات افزایش داد.

۶. دور هفتم مذاکرات طالبان و آمریکا در دوحه

هفتمین دور از مذاکرات صلح آمریکا با طالبان در تیرماه سال ۱۳۹۸ به مدت دو هفته در قطر آغاز شد. در این دور از مذاکرات، گفت‌وگوها پیرامون خروج





نیروهای خارجی، تضمین مبارزه با تروریسم، آغاز مذاکرات بین‌الافغانی صلح و آتش‌بس فراگیر با طالبان مذاکره صورت گرفت. پس از پایان دور هفتم مذاکرات، طالبان اعلام کردند که پیشرفت خوبی در مذاکرات صورت گرفت و قرار است آمریکایی‌ها، نیروهای خود را از افغانستان خارج و در آینده نیز در امور داخلی افغانستان هیچ مداخله‌ای انجام ندهند. در مقابل، وزارت خارجه آمریکا، ضمن تکذیب سخنان طالبان، اظهار داشت که هدف اساسی مذاکرات صلح با طالبان این است که تمام افغان‌ها از جمله نمایندگان دولت، احزاب سیاسی، جامعه مدنی، زنان و طالبان برای یافتن یک راه‌حل سیاسی و پایان جنگ با هم گفت‌وگو کنند. خلیل‌زاد نماینده ویژه آمریکا در امور صلح افغانستان نیز تأکید کرد که آمریکا درصدد توافق جامعه صلح در افغانستان است نه توافق برای خروج نیروهای آمریکایی از این کشور. اظهارات مقامات آمریکایی و رهبران طالبان نشان داد که با وجود مذاکرات طولانی، اختلافات دو طرف جدی و عمیق است. به این معنی که آمریکا توافق نهایی با طالبان را منوط به پذیرش برقراری آتش‌بس فراگیر، توقف عملیات‌ها، آغاز مذاکرات مستقیم صلح با دولت افغانستان و نیز تضمین‌های مبارزه با تروریسم از سوی طالبان کرده است و حتی در پیش‌نویس توافقنامه صلح اصرار آمریکا بر این بود که در بندی اضافه شود که «گروه طالبان تعهد می‌نماید با گروه تروریستی داعش در افغانستان مبارزه کند.» هیات رهبری طالبان در مذاکرات نه تنها با خواسته‌های آمریکا مخالفت کرد، بلکه تأکید نمود: توافقات با آمریکا باید به خروج نیروهای خارجی از افغانستان منجر شود؛ آمریکا نباید در آینده در امور داخلی افغانستان دخالت یا تأثیرگذاری داشته باشد؛ آتش‌بس دائمی و فراگیر تا زمانی که نیروهای خارجی حضور دارند، معنایی ندارد؛ پس از خروج آمریکا از افغانستان و یا تعیین جدول زمانی مشخص، مذاکرات بین‌الافغانی صورت خواهد گرفت، اما مذاکره با دولت افغانستان هرگز صورت نخواهد پذیرفت. چرا که به گفته طالبان، اساساً دولت افغانستان نامشروع

بوده و هیچ قدرتی از خود ندارد و به همین جهت تصمیم‌گیرنده هم نمی‌تواند باشد؛ اما به عنوان یک بازیگر داخلی همانند یک حزب سیاسی می‌تواند در گفت‌وگوهای بین‌افغانی حضور داشته باشد. بنابراین از دید طالبان تا زمانی که خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان صورت نگیرد، اعلام آتش‌بس و مذاکره بین‌افغانی نیز در کار نخواهد بود.

اما در مورد مخالفت طالبان با تعهد مبارزه با داعش در افغانستان نیز طالبان بر این عقیده‌اند که آمریکایی‌ها با آوردن بند مبارزه طالبان با گروه تروریستی داعش در افغانستان در واقع به دنبال یک بازی فریبکارانه هستند. دفتر سیاسی طالبان در همین باره اعلام کرد که آمریکا با گنجاندن این بند از توافق، در واقع به دنبال این است که اعلام کند طالبان در توافق با آمریکا راضی به مبارزه با داعش شده است؛ اما واقعیت این است که آمریکایی‌ها در حال یک بازی جدید هستند تا با تغییر چهره ضدآمریکایی طالبان و ایجاد وجهه ضدآمریکایی از طریق جنبش رسانه‌ای برای گروه تروریستی داعش، افراد ناراضی طالبان را ذیل پرچم داعش جذب این گروه تروریستی کنند. به گفته طالبان، با امضای این بند از توافق، آمریکا بازی جدید خود را شروع خواهد کرد یعنی صلح صوری با طالبان و جایگزینی داعش به جای طالبان. باز هم آمریکا به اسم مبارزه با تروریسم یعنی داعش، حضور نظامی خود در افغانستان را توجیه خواهد کرد و هم‌زمان در رسانه‌های آمریکایی به شدت این موضوع را برجسته خواهند کرد که داعش یک گروه ضدآمریکایی در افغانستان است و همین امر موجب خواهد شد تا بدنه ناراضی طالبان در ذیل گروه تروریستی داعش سازماندهی شوند و دوباره جنگ و درگیری در افغانستان گسترش یافته و به مناطق پیرامونی نیز سرایت کند. بویژه که بدنه میانی و مبارزاتی طالبان به شدت افکار ضدآمریکایی و ضدغربی دارند و نسبت به مذاکرات رهبران طالبان با آمریکا بدبین هستند. در واقع آمریکایی‌ها با فریب به دنبال سربازگیری برای داعش هستند.



۷. دور هشتم و نهم مذاکرات طالبان و آمریکا در دوحه

بعد از پایان هشتمین دور مذاکرات صلح آمریکا و طالبان در دوحه در مرداد ۱۳۹۸ که حدود ۱۰ روز به طول انجامید، طالبان از آغاز بررسی و ارزیابی سند نهایی توافق صلح با آمریکا خبر داد. گروه طالبان همچنین مخالفت شدید خود را با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری افغانستان و نتیجه آن اعلام و برگزاری انتخابات را نشانه اعلام جنگ عنوان و بر ضرورت تعویق انتخابات تأکید کرد. این در حالی بود دولت مرکزی به رهبری اشرف غنی بر تعهد خود در برگزاری انتخابات در زمان مقرر تأکید نمود. آمریکا و طالبان توافق کردند تا در مورد اقدامات آینده با رهبران خود مشاوره کنند. علی‌رغم اینکه گفته شد انتظار می‌رود به زودی توافق‌نامه میان نمایندگان گروه طالبان و آمریکا امضا شود، اما مذاکرات دور هشتم نیز دستاورد قابل ذکری نداشت. همزمان با برگزاری دور نهم گفت‌وگوهای آمریکا و طالبان در دوحه در اواخر مرداد و اوایل شهریور ماه ۱۳۹۸، خبر جنجالی توافق نمایندگان مذکور در خصوص ایجاد حکومت موقت برای یک دوره ۱۴ ماهه در افغانستان و تعویق برگزاری انتخابات منتشر شد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا نیز پیش از آغاز دور نهم مذاکرات، از احتمال ضعیف توافق طالبان با حکومت مرکزی افغانستان و اینکه طالبان آماده توقف جنگ با آمریکا است، خبر داده بود. وی همچنین بر ضرورت خروج نیروهای آمریکایی و تقویت حضور اطلاعاتی در افغانستان تأکید کرد. طالبان در واکنش به اظهارات ترامپ مبنی بر ادامه حضور «اطلاعاتی» آمریکا در افغانستان، ضمن مخالفت با این سخنان، مطرح کرد که این گروه پس از صلح، تنها حضور «دیپلماتیک» آمریکا را می‌پذیرد. گفته می‌شد طبق توافق دو طرف، آمریکا تا سال ۲۰۲۰، حدود ۵ هزار نظامی خود را از ۵ پایگاه در افغانستان خارج کرده و طالبان نیز متعهد می‌شود از ولایاتی که نیروهای آمریکایی خارج شده‌اند، آتش‌بس اعلام کند و اینکه تضمین دهد از خاک افغانستان هرگز حمله‌ای مشابه حملات ۱۱

سپتامبر ۲۰۰۱ علیه آمریکا سازمان‌دهی نخواهد شد. همچنین احتمال ابقای ۸ تا ۹ هزار نظامی آمریکایی در افغانستان به منظور جلوگیری از تهدیدات القاعده مطرح گردید. در مقابل اشرف غنی، رئیس‌جمهوری وقت افغانستان که همواره ایجاد دولت موقت را به شدت رد کرده بود، بیان کرد که طالبان صلاحیت تصمیم‌گیری درباره سرنوشت کشور را ندارند و انتخابات ریاست جمهوری نیز در موعد مقرر آن یعنی در ۶ مهر ۱۳۹۸ برگزار خواهد شد. در حالی که احتمال امضای موافقت-نامه صلح آمریکا و طالبان در دور نهم مذاکرات که شش روز به طول انجامید، بیش از هر زمانی وجود داشت. با وقوع انفجار در نزدیکی سفارت آمریکا و مقر محلی ناتو در کابل در اوایل سپتامبر، تعدادی از شهروندان افغان و یک سرباز آمریکایی کشته شدند. پس از اینکه طالبان مسئولیت این انفجار را بر عهده گرفت، ترامپ ضمن اشاره به نشست محرمانه‌ای که قرار بود با فرستادگان طالبان در آمریکا داشته باشد، خبر از خاتمه مذاکرات صلح بین نمایندگان آمریکا و طالبان داد. طالبان در واکنش به بیانیه ترامپ در خصوص توقف مذاکرات مطرح کرد که لغو مذاکرات صلح، بیشتر به ضرر واشنگتن است، زیرا طالبان ثابت کرده که به کمتر از خروج کامل آمریکا از افغانستان راضی نمی‌شود و برای رسیدن به این هدف، به جهاد خود ادامه خواهد داد. با مشاهده واکنش طالبان، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرد واشنگتن همچنان خواهان توافق با طالبان است، اما می‌خواهد اطمینان یابد که طالبان به تعهدات خود پایبند می‌مانند. هر چند کشته شدن یک سرباز آمریکایی توسط طالبان توجیهی برای خاتمه مذاکرات توسط ترامپ بود، اما دلایل اصلی این دستور را سایر موضوعات تشکیل می‌دهند؛ ظاهراً طالبان به دلیل پیشینه تاریخی منفی کمپ دیوید به عنوان محل پیشنهادی ترامپ برای مذاکره، نپذیرفتند که با ترامپ در این مکان ملاقات کنند و این موضوع موجب عصبانیت و واکنش رئیس‌جمهوری آمریکا گردید. البته برخی منتقدان آمریکایی هم‌زمانی روز تعیین شده برای مذاکرات با طالبان (قرار بود ۱۲



سپتامبر باشد) با حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که توسط القاعده، متحد طالبان صورت گرفت را نوعی خطای دولت ترامپ و بی‌احترامی به قربانیان این حادثه توصیف کردند. هم‌چنین از اینکه دولت ترامپ نتوانسته است از طالبان در طی برگزاری ۹ دور مذاکره، ضمانت عدم حمله به نیروهای آمریکا را بگیرد، انتقاد می‌کنند.

در مهر ماه ۱۳۹۸، وزیر امور خارجه پاکستان در دیدار هیات سیاسی گروه طالبان به ریاست «ملا عبدالغنی برادر» در اسلام آباد از آمریکا و طالبان خواست مذاکرات خود را از سر بگیرند. دست به کار شدن پاکستان برای از سرگیری مذاکرات آمریکا و طالبان را قبل از هر چیز می‌توان به نیاز دولت کنونی آمریکا به از سرگیری مذاکرات و مأموریت محول شده به عمران‌خان، نخست‌وزیر پاکستان از سوی آمریکا مرتبط دانست. واقعیت این است که اگرچه رئیس‌جمهور آمریکا به طور غیرمنتظره‌ای به ماه‌ها مذاکره با این گروه پایان داد تا نشان دهد کشورش از موضع قدرت مذاکره می‌کند؛ اما واقعیت‌های میدانی در افغانستان نشان می‌دهد دولت کنونی آمریکا برای بیرون کشیدن پای واشنگتن از باتلاق افغانستان جز مذاکره چاره دیگری ندارد و لغو مذاکره تاکتیکی بیش نبوده است. اینکه تنها چند ساعت پس از دیدار هیات طالبان با مقامات پاکستانی، خلیل زاد نماینده آمریکا در امور افغانستان برای نخستین بار پس از لغو مذاکرات، با هیات طالبان در اسلام آباد دیدار کرد، شاهدی بر تعجیل دولت ترامپ برای از سرگیری مذاکرات است.

۵. گفت‌وگوهای صلح بین‌افغانی در مسکو

نخستین دور نشست گفت‌وگوهای صلح افغانستان در مسکو در نوامبر ۲۰۱۸ (اواسط آبان ۱۳۹۷) با حضور نمایندگان گروه طالبان در مسکو برگزار شد که در آن هیچ نماینده‌ای از حکومت افغانستان و آمریکا حضور نیافتند و فقط نمایندگان شورای عالی صلح افغانستان حضور داشتند که البته به شکل مستقیم با طالبان گفت‌وگو نکردند. دولت وحدت ملی افغانستان به ریاست اشرف غنی نیز اعلام



کرد که این افراد، نمایندگان دولت نیستند. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه هدف این نشست را شکل‌گیری شرایط مناسب برای آغاز مذاکرات مستقیم بین دولت، طالبان و نمایندگان احزاب و جریان‌های سیاسی مختلف افغانستان مطرح نمود. (www.mehrnews.com, ۱۳۹۷).

در نشست مذکور، نمایندگانی از جمهوری اسلامی ایران، چین، پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و هند نیز حضور داشتند، اما دولت آمریکا از حضور در این نشست اجتناب کرده بود. بعد از گذشت چهار ماه از برگزاری نشست مسکو و پایان چهارمین نشست نمایندگان طالبان و نمایندگان آمریکا در دوحه، خبر برگزاری نشست دیگری موسوم به مذاکرات بین‌الافغانی منتشر شد. دور نخست مذاکرات بین‌الافغانی به میزبانی مسکو در اوایل فوریه ۲۰۱۹ (بهمن ۱۳۹۷) برگزار گردید. نشست مذاکرات بین‌الافغانی مسکو به دلیل گردهمایی گروه‌های مختلف داخلی افغانستان، از زمان برگزاری کنفرانس بُن در سال ۲۰۰۱ تاکنون بی‌سابقه بود. از آنجا که دولت کابل و شورای عالی صلح، مشارکت در این نشست را نپذیرفتند، بنابراین از آنها جهت حضور در نشست مذکور دعوت به عمل نیامد. اما ۴۰ نفر نماینده سیاسی از احزاب سیاسی افغانستان و یازده نماینده از دفتر سیاسی طالبان در قطر به ریاست شیرمحمدعباس استانکزی در این مذاکرات شرکت کردند. در میان این ۴۰ نفر شاهد حضور برخی از نمایندگان مجلس افغانستان؛ محمد حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی سابق و یکی از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری؛ حامد کرزی رئیس‌جمهور سابق؛ محمد محقق، رئیس حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان و معاون عبدالله عبدالله؛ حکمت خلیل کرزی، معاون پیشین وزارت خارجه افغانستان؛ وکیل احمد متوکل، وزیر خارجه پیشین طالبان؛ محمدیونس قانونی، معاون سابق رئیس‌جمهوری افغانستان؛ عطاء محمد نور، والی پیشین بلخ و از فرماندهان ائتلاف شمال؛ نمایندگان حزب اسلامی حکمتیار و... بودیم. طالبان



پیش از برگزاری این نشست اعلام کرده بودند که تمایلی به مذاکره با دولت ندارد اما حاضر به گفت‌وگو با سیاسیون، بزرگان مذهبی و قومی، احزاب و مردم افغانستان هستند.

طالبان در نشست مسکو تلاش کرد تا رویکردها و روندهای خود را به رهبران سیاسی و حتی جهادی افغانستان دیکته کند، طوری که مهم‌ترین منتقدین گروه طالبان در نشست مسکو نیز از تغییر رویکردهای طالبان حرف زدند و اعلام کردند که طالبان به دنبال رعایت حقوق زنان مطابق اصول اسلامی است (باقری، ۱۳۹۷).

نمایندگان طالبان و رهبران احزاب و گروه‌های سیاسی افغان در این نشست بر حفظ، تقویت و اصلاح نهادهای بنیادی، دفاعی و دیگر نهادهای ملی افغانستان بعد از توافق صلح تأکید کردند. اهمیت این موضوع از آنجا بود که قبل از این نشست، شیرمحمد عباس استانکزی، رئیس هیات طالبان اعلام کرده بود که پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و به نتیجه رسیدن گفت‌وگوهای صلح، دیگر به ارتش ملی افغانستان نیازی نخواهد بود که این اظهارات او با واکنش‌های منفی رئیس‌جمهور غنی مواجه شد. در پایان نشست مشورتی مسکو توافقاتی در خصوص این موارد به دست آمد: «توافق در خصوص ادامه روند گفت‌وگوهای بین‌افغانی»، «تأکید بر حفظ اردوی ملی افغانستان»، «پیروی از اصول اسلام در همه امور نظام کشور»، «اطمینان در خصوص رعایت حقوق زنان در چارچوب مطابقت با ارزش‌های اسلامی»، «حذف طالبان از لیست سیاه سازمان ملل»، «رهایی زندانیان گروه طالبان»، «خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان»، «افتتاح دفتر رسمی طالبان در داخل کشور برای برقراری ارتباط بیشتر». سپس شیرمحمد عباس استانکزی اعلام کرد که آتش‌بس واقعی تنها پس از خروج نیروهای نظامی بیگانه از این کشور محقق خواهد شد (۲۰۱۹، fa.euronews.com).

با وجود توافقات فوق، گروه طالبان در نشست مسکو تأکید کرد که قانون اساسی افغانستان فاقد اعتبار است، چرا که هم به تقلید از غرب نگاشته شده است و هم

در زمان اشغال این کشور توسط نیروهای خارجی، تهیه و تنظیم شده است. لذا بایستی بعد از خروج نیروهای خارجی از افغانستان، علماء کشور دور هم جمع شوند و قانون اساسی جدیدی را تهیه نمایند. محمد یونس قانونی، معاون سابق رئیس جمهوری افغانستان و از نمایندگان ائتلاف شمال که در نشست حضور داشت، در این رابطه اعلام کرد که قانون اساسی افغانستان تعدیل پذیر و اصلاح پذیر است اما حذف شدنی نیست. (www.entekhab.ir، ۱۳۹۷)

دولت افغانستان که در این نشست نماینده‌ای نداشت، نه تنها از برگزاری نشست و حضور چهره‌های سیاسی افغان در آن انتقاد نمود، بلکه تأکید کرد این چهره‌ها در حقیقت افرادی هستند که دستشان از قدرت دور مانده است، لذا برای دستیابی به قدرت در چنین نشست‌هایی که حاکمیت و نظام سیاسی موجود را تضعیف می‌کنند، شرکت می‌نمایند. البته سایر منتقدین نیز در کنار دولت، از برگزاری نشست بین‌افغانی در مسکو انتقاد کردند به عنوان مثال، امین‌الله شارق، تحلیل‌گر امور سیاسی و والی سابق ولایت پکتیکا، معتقد است تاکنون، روسیه دو نشست را به خاطر منافع‌اش در منطقه مخصوصاً در افغانستان و ضربه زدن به آمریکا، حکومت افغانستان و روند مذاکرات، تحت عنوان مذاکرات صلح مسکو برگزار نموده است. (www.afghanistan.asia-news.com، ۲۰۱۹) سید صفی - الله‌هاشمی، عضو مجلس سنا از ولایت سمنگان نیز تأکید کرد: «طالبان در نشست علمای جهان اسلام که در اندونزی و عربستان برگزار شد، مشارکت نکردند. اما به درخواست روسیه - به عنوان کشوری که نیت آوردن صلح را ندارد و تنها به خاطر رقابت‌اش با ایالات متحده و مداخله در امور داخلی افغانستان فعالیت می‌کند - پاسخ مثبت می‌دهد و در کنفرانس مسکو شرکت می‌کند.»

(www.afghanistan.asia-news.com، ۲۰۱۹) هرچند که ارگ ریاست جمهوری معتقد است برگزاری گفت‌وگوهای صلح بین‌افغانی در مسکو باعث تضعیف مشروعیت و جایگاه دولت و ارتقای موقعیت طالبان می‌شود، بنابراین هیچ



نتیجه‌ی اجرایی در پی نخواهد داشت، اما چهره‌های سیاسی افغانستان، این نشست را گام مهمی برای آغاز «مذاکرات بین‌الافغانی» اعلام کردند. شورای عالی صلح افغانستان با وجود عدم شرکت رسمی دولت افغانستان در نشست مسکو، این نشست را نشانه‌ای از آغاز گفت‌وگوهای بین‌الافغانی خواند و ابراز امیدواری کرد که طالبان پس از این، حاضر به گفت‌وگو با نمایندگان دولت شوند. (۱۳۹۷ و www.entekhab.ir) علی‌رغم اینکه ضمیر کابلوف، نماینده ویژه فدراتیو روسیه در امور افغانستان در خصوص برگزاری نشست بین‌الافغانی مسکو اعلام کرد که تعدادی از افغان‌های مقیم مسکو آن را برگزار کردند و آمریکایی‌ها نیز از این نشست استقبال و به این حقیقت اعتراف نمودند که چنین مذاکره‌ای پایه‌گذار حصول توافق بین‌الافغانی خواهد شد که به توقف جنگ و خونریزی منجر می‌شود (۱۳۹۸ و www.yjc.ir)، اما مشخص است که آمریکا که در این نشست حضور نداشت، اساساً تمایل ندارد روسیه در تحولات افغانستان سهمی داشته باشد و به همین جهت تلاش می‌کند تا به تنهایی تعیین‌کننده روند مذاکرات صلح باشد. همان‌گونه که سرگی لاوروف در پایان نشست دو روزه صلح مسکو اعلام کرد که روسیه برای پایان جنگ در افغانستان و یافتن یک راه‌حل بین‌الافغانی تلاش می‌کند؛ اما آمریکا می‌خواهد تا روند گفت‌وگوها در دست آنان باشد و این گفت‌وگوها در پشت درهای بسته انجام شود. (۱۳۹۷ و www.swn.af) آمریکا می‌داند که مذاکرات مسکو نقش روسیه را در افغانستان به ویژه در مذاکرات صلح این کشور با گروه طالبان افزایش می‌دهد. چنانکه اکنون نیز مسکو می‌خواهد از طریق سرمایه‌گذاری و حمایت‌های دیپلماتیک نفوذ خود را افغانستان افزایش دهد.

در خرداد ۱۳۹۸ دومین نشست بین‌الافغانی همزمان با صدمین سالگرد روابط دیپلماتیک میان افغانستان و روسیه در مسکو برگزار گردید. محور اصلی بحث‌ها در نشست مذکور، زمینه‌سازی برای آغاز «مذاکرات بین‌الافغانی» و نزدیک



ساختن چهره‌های سیاسی افغانستان با طالبان عنوان شد. حضور ملا برادر، مذاکره کننده ارشد گروه طالبان و رئیس دفتر سیاسی طالبان در قطر محور توجه نشست دو روزه مسکو بود. ملا برادر ریاست هیات ۱۴ نفری طالبان را در نشست مسکو برعهده داشت و سفر او به مسکو، اولین سفر بین‌المللی او در این مقام محسوب می‌گردد. حکومت افغانستان همچون دور گذشته غایب بزرگ نشست مسکو بود. محمد کریم خلیلی، رئیس شورای عالی صلح و محمد محقق معاون دوم وقت اشرف غنی مقام‌های دولت افغانستان بودند که در نشست مسکو شرکت داشتند. طالبان در این نشست تأکید کردند که گفت‌وگو با دولت کابل که از خود اختیاراتی ندارد و دچار اختلاف است را نمی‌پذیرد و برای گفت‌وگوهای صلح، نخست خواهان پایان «اشغال» افغانستان است.

۶. چشم‌انداز مذاکرات صلح با طالبان

تاکنون ۹ دور از مذاکرات رسمی میان آمریکا و طالبان در دوحه و ابوظبی و هم‌چنین دو دور از مذاکرات رسمی بین‌الافغانی در مسکو برگزار شده است. برگزاری این نشست‌های مختلف می‌تواند به عنوان زمینه‌ساز مذاکرات دولت کابل و طالبان تلقی شود متاهی به شرطی که این نشست‌ها، مکمل پروسه مذاکرات صلح باشند و نه در تضاد با آن. به عنوان مثال، برخی نشست مسکو را در قالب رقابت روسیه و آمریکا بررسی و تحلیل می‌کنند و یا عدم تمایل آمریکا به حضور کشورهای منطقه در موضوع صلح افغانستان و عدم حضور دولت کابل در مذاکرات در این زمینه قابل ذکر می‌باشد. همان‌طور که زلمی خلیل‌زاد، نماینده آمریکا در مذاکرات اعلام کرد، او در جریان مذاکرات صلح افغانستان در پی تأمین منافع ایالات متحده در قالب مقابله با کشته شدن نیروهای آمریکا، کاهش هزینه‌ها، کاهش تهدید علیه این کشور و آمدن صلحی که منافع واشنگتن را تأمین کند، می‌باشد. به همین دلیل، شاهد حضور برخی از افغان‌هایی که سابقه حضور در زندان گوانتانامو را نیز دارند در میز مذاکرات با آمریکا هستیم. حمدالله محب،





مشاور امنیت ملی افغانستان در واکنش و طی انتقادی تند از زلمی خلیل‌زاد، اعلام کرد که «خلیل‌زاد در روند مذاکرات صلح برای کسب جایگاه رهبری در افغانستان برای خود تلاش می‌کند و اساساً روند مذاکرات را به سمتی هدایت کرده است که موجب به حاشیه راندن و مشروعیت زدایی حکومت افغانستان و در مقابل مشروعیت‌زایی برای طالبان می‌شود.» این انتقادات تند موجب شد پست مشاور امنیت ملی حمدالله محب تعلیق گردد. منافع آمریکا در افغانستان به میزانی برای کاخ سفید اهمیت دارد که از مقابله با اقدامات دیگر کشورهای منطقه‌ای و ذی‌نفع در افغانستان جهت برقراری صلح ابایی ندارد. به عنوان مثال، ایالات متحده در حالی همواره از روابط میان روسیه با طالبان به عنوان عامل اخلال‌کننده در روند صلح افغانستان یاد می‌کرد که خود اقدام به برگزاری نشست‌هایی با طالبان نموده است. در همین رابطه، لاوروف، وزیر خارجه روسیه معتقد است در گذشته، آمریکایی‌ها روسیه را به نقض قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در ارتباط با فراهم آوردن زمینه‌های مذاکرات صلح افغانستان متهم می‌کردند، اما اکنون ایالات متحده خود با طالبان وارد گفت‌وگوهای رسمی شده است. لذا به نظر می‌رسد چنانچه برگزارکننده یا هماهنگ‌کننده مذاکرات صلح، نهادی مانند سازمان ملل متحد باشد، مفیدتر خواهد بود.

نقاط مشترک در تمامی نشست‌های صلح برگزار شده با طالبان، وجود اختلاف میان طالبان و ایالات متحده و نیز اختلاف طالبان با دولت افغانستان است که در آینده (کوتاه و میان‌مدت) کماکان نیز ادامه خواهد داشت. به عنوان مثال، در حالی که طالبان معتقد است مشکل کنونی افغانستان دو بُعد داخلی و خارجی دارد، بُعد خارجی اشغال این کشور توسط آمریکا است، بنابراین برای رفع این مشکل، بایستی به سراغ خود آمریکایی‌ها به عنوان طرف اصلی جنگ و نه میانجی مذاکرات صلح میان دولت کابل و طالبان رفت و در این میان، کار خاصی از دولت افغانستان که خود نیز توسط اشغال‌گران به وجود آمده، برنمی‌آید.

بُعد داخلی مشکل افغانستان از نظر طالبان نیز به خود افغان‌ها مرتبط است که می‌توان پس از خروج نیروهای خارجی و از طریق مذاکرات میان افغان‌ها آن را مرتفع نمود. اما آمریکایی‌ها ضمن مخالفت با تقسیم مشکلات به ابعاد داخلی و خارجی، بر این باورند که موضوعات مورد اختلاف با طالبان در مذاکرات صلح، بایستی صورت یک‌جا و کلی حل شوند. مثال دیگر در ارتباط با اختلاف میان طالبان و ایالات متحده این است که در حالی که آمریکایی‌ها برای خروج تدریجی از افغانستان زمانی بیش از سه سال یا بیشتر از آن را مدنظر دارند، اما مقامات طالبان مدت زمان کمتر از یک سال و حتی شش ماه را مدنظر دارند.

(Mashal, ۲۰۱۹)

ادامه اختلاف طالبان با دولت افغانستان نیز مشکل دیگر بر سر راه مذاکرات صلح در آینده است. همان‌گونه که در زمان ریاست جمهوری حامد کرزای، دولت با هدف پیگیری روند مذاکرات صلح با طالبان، شورای عالی صلح را تأسیس کرد اما طالبان با ترور برهان‌الدین ربانی، رئیس این شورا نشان داد که تمایلی به مذاکره با دولت ندارد، در زمان ریاست جمهوری اشرف غنی نیز گفت‌وگوهای بدون پیش‌شرط دولت کابل با طالبان مطرح شد اما این گروه آن را نپذیرفت، چراکه در پی کسب امتیازات بیشتر بوده و پیشنهادات صلح مذکور را نشانه ضعف دولت تعبیر می‌نماید. مسئله‌ای که توسط دولت اشرف غنی بطور جدی دنبال شد، تشکیل «لویی جرگه عالی صلح» بود. این در حالی است که منتقدان غنی از جمله دکتر عبدالله، حنیف اتمر و برخی از رهبران جهادی نظیر اسماعیل خان، ژنرال عطاء و استاد محقق، لویی جرگه صلح مدنظر اشرف غنی را رد کرده و بر این باور بودند که غنی در برگزاری لویی جرگه صلح، بیش از آن که به فکر منافع ملی افغانستان و مصلحت‌های کشور باشد، به فکر منافع قشری، قومی و سیاسی خود است. با توجه به چنین اختلافاتی بود که حتی اگر امکان برگزاری لویی جرگه صلح اگر هم وجود داشت، به احتمال زیاد از سوی اکثر



جریانات ناهمسو با اشرف غنی مورد تحریم قرار میگرفت. البته اختلافات در درون وحدت ملی محدود به لویی جرگه صلح نبود؛ در خصوص تعیین نمایندگانی جهت شرکت در دور ششم مذاکرات صلح در دوحه قطر نیز اختلافات جدی وجود داشت و جناح اشرف غنی و جناح دکتر عبدالله هر یک لیستی را ارائه دادند که هم‌خوانی کمتری با یکدیگر داشتند. با عنایت به این وضعیت و تشدید اختلافات، کمیته‌های کاری شورای عالی صلح به تعویق افتاد؛ در حالی که قرار بود در این کمیته‌ها فهرست تیم مذاکره کنندگان صلح افغانستان در نشست دوحه مشخص و نسبت به محورهای مذاکرات و نحوه موضع‌گیری‌ها با طالبان تصمیم‌گیری شود. با توجه به اینکه طالبان و آمریکا تا پیش از موعد برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان (۶ مهر ۱۳۹۸) به میز مذاکره بازنگشته و به تفاهم دست نیافتند، خواسته اشرف غنی مبنی بر الویت برگزاری انتخابات در مقایسه با پیگیری روند صلح میان آمریکا و طالبان اجرایی شد. او می‌خواهد که دولت تحت ریاست او (در صورتی که برنده انتخابات اعلام شود) از موضع قدرت در مذاکرات بعدی با طالبان به عنوان دولت مشروع و منتخب مردم افغانستان حضور داشته باشد. البته تاکنون نتایج انتخابات که اشرف غنی و دکتر عبدالله دو کاندیدای اصلی آن بودند، اعلام نگشته است، اما بی‌شک، اعلام نتیجه انتخابات و حواشی ناشی از آن بر موضوع روند مذاکرات با طالبان تأثیرگذار خواهد بود. در ضمن، طالبان که همواره مخالف خود را با برگزاری انتخابات مذکور که بر اساس قانون اساسی نوشته شده توسط غربی‌ها برگزار گردید، اعلام کردند، موضع مخالف را با دولت جدید (چه به رهبری عبدالله و چه به رهبری اشرف غنی و یا حضور مشارکتی هر دو نفر در قدرت) نیز در پیش خواهند گرفت. در همین چارچوب، طالبان کماکان ترجیح خواهد داد که طبق استراتژی خود با ترکیبی از گسترش نفوذ و تهدید، بر میزان عملیات‌ها (به عنوان مثال در قندوز، بغلان، غزنی، ننگرهار) و حوزه نفوذ خود در کشور

بیافزاید. مسلماً یکی از مهم‌ترین پیامد و تأثیرات این عملیات‌ها و افزایش درگیری‌ها بر روند مذاکرات صلح با طالبان خواهد بود. چندین ماه است که زلمی خلیل زاد نماینده آمریکا در امور صلح، با سفر به کشورهای مختلف (پاکستان، عربستان، روسیه، قطر، چین و ...) و دیدار با رهبران سیاسی در داخل و خارج، تلاش می‌کند تا بنوعی با طالبان به توافقاتی دست یابد که در نتیجه این توافقات طالبان با پایگاه‌های دائمی آمریکا و حضور بخشی از نیروهای آن مخالفت نکند و در مقابل، آمریکا طالبان را از لیست سیاه سازمان ملل خارج و تحریم‌های بین‌المللی را بردارد و زندانیان طالبان را آزاد کند، سپس طرفین در یک زمان بندی مشخص شده اعلام آتش‌بس کرده، دولت موقت تشکیل و در مورد برگزاری انتخابات آزاد تصمیم بگیرند. اما مسئله‌ای که طالبان قبل از هر توافقی بدان تأکید کرده خروج نیروهای خارجی از افغانستان بوده و تأکید دارند که تا زمانی که قانون اساسی افغانستان تغییر نکند، روی کار آمدن دولت‌ها در افغانستان غیرمشروع خواهد بود.

با در نظر گرفتن این واقعیات و توجه به مذاکرات برگزار شده تاکنون، شاهد عدم تمایل طالبان به مذاکره با دولت افغانستان هستیم. این عدم تمایل به این دلیل است که طالبان هر نوع مذاکره با دولت کابل را به معنای مشروعیت بخشی به آن تلقی می‌کنند، در حالی که از آغاز نیز مخالف موضوع مشروعیت این دولت هستند. طالبان می‌گویند تنها زمانی با دولت مذاکره خواهند کرد که بر سر تاریخ دقیق خروج نیروهای نظامی آمریکا با آنها توافق شده باشد. اما آمریکایی‌ها معتقدند عملی شدن توافقات آنها با طالبان مشروط به برقراری آتش‌بس و گفت‌وگوهای بین‌الافغانی است. طالبان در مقابل، بر این باور هستند که در صورت خروج نیروهای خارجی و ایجاد حکومت اسلامی در کشور که همه افغان‌ها در آن مشارکت داشته باشند، دیگر جنگی وجود نخواهد داشت. لذا وقتی جنگی نباشد، آتش‌بس نیز معنایی نخواهد داشت. بنابراین می‌توان گفت بعید به



نظر می‌رسد که آتش‌بس جامعی که همواره مدنظر دولت کابل و نیز آمریکا است در این مراحل از مذاکرات رخ دهد، چرا که طالبان بهتر از هر کسی می‌دانند که آنچه باعث قدرت‌نمایی و افزایش وزن و جایگاه آن‌ها در کشور شده است، حضور و تحرکات آنها در میدان جنگ و نه میدان سیاست است که ممکن است از طریق آتش‌بس، این تحرکات را از دست بدهد و قدرت و نفوذ قابل توجه خود را از دست بدهند. طالبان آگاه است که وقوع آتش‌بس، به مثابه دستاورد و پیروزی سیاسی قابل توجهی برای دولت کابل و تقویت انگیزه نیروهای دولتی خواهد بود لذا تمایلی به اعطای این دستاورد به دولت ندارد. از منظر طالبان تنها زمانی می‌توان به آتش‌بس جامع و بلند مدت دست یافت که خروج کامل نیروهای خارجی و شرایط انتقال حتمی به صلحی ممکن شود که در آن سایر احزاب افغانستانی نیز حضور داشته باشند. البته در کنار تحلیل‌های فوق، باید در نظر داشت که ممکن است بخشی از طالبان، هیچ نوع مذاکره‌ای را قبول نکند. در این شرایط، این بخش از طالبان می‌تواند به سمت گروه‌های رادیکال که بر مبارزات مسلحانه و جهادی تأکید می‌کنند، متمایل شوند. اگر اکثریت طالبان به جذب روند صلح شوند، احتمال دارد که تعداد معدودی از این گروه به دلیل رقابت‌های داخلی خود، ترک مخاصمه نکنند و یا از سوی دیگر گروه‌های رادیکال مانند داعش جذب شوند. به عنوان مثال، در حالی که ملامت‌الله آخوندزاده به برقراری مذاکره با دولت کابل تمایل دارد اما سراج‌الدین حقانی مخالف مصالحه با دولت است یا حتی زمزمه‌هایی مبنی بر همکاری شبکه حقانی و گروه داعش خراسان وجود دارد (Giustozzi, ۲۰۱۷). مشخص است، ترامپ با توجه به عدم دستیابی به اهداف اعلامی سیاست خارجی اش در قبال جمهوری اسلامی ایران، کره شمالی، چین، ونزوئلا و افغانستان؛ نیاز به کسب موفقیت در عرصه سیاست خارجی و استفاده از آن در تبلیغات و مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ دارد. بنابراین، بعید به نظر می‌رسد با توجه به عدم حصول به موفقیت قابل ذکر در عرصه سیاست

خارجی، آمریکا موضوع مذاکره با طالبان را به طور کلی کنار بگذارد. به نظر می‌رسد طالبان نیز پس از برگزاری ۹ دور گفت‌وگو و برنامه‌ریزی برای حضور سیاسی رسمی در صحنه قدرت افغانستان، بی‌تمایل به دستیابی به توافق با آمریکا نیست، اما چون موقعیت‌شان در عرصه قدرت افغانستان به دلیل گسترش عملیات و افزایش مناطق تحت نفوذ این گروه غیرقابل انکار است، لذا در مقایسه با ترامپ، عطش کمتری برای رسیدن به توافق دارد و یا حداقل، می‌تواند برای رسیدن به توافق‌نامه مدنظرش با آمریکا، مدت بیشتری صبر کند.

نتیجه‌گیری

از اولین دور مذاکرات مستقیم آمریکا با طالبان که در اکتبر ۲۰۱۸ (آذر ۱۳۹۷) در دوحه قطر برگزار شد تاکنون، طالبان هم‌چنان بر مواضع پیشین خود تأکید کرده و مدعی است برای رسیدن به توافق صلح با آمریکا، نه تنها خود را به برقراری آتش‌بس و آغاز مذاکرات مستقیم با دولت افغانستان ملزم نمی‌داند، بلکه قبل از هر اقدام صلحی از سوی این گروه، این نیروهای خارجی است که باید از افغانستان خارج شوند و جدول زمانی خروج نیروهای آمریکایی، پیش از هر اقدامی مشخص شود. طالبان به همین جهت هم‌زمان با حضور در میز مذاکرات، در جبهه میدانی نیز حملات خود را افزایش داده و در بیش از ۲۰ ولایت با نیروهای امنیتی افغانستان درگیر است. از دید طالبان، صلح زمانی حاصل می‌شود که ابتدا نیروهای خارجی افغانستان را ترک گفته و اساساً آمریکایی‌ها در آینده در امور داخلی افغانستان مداخله نکنند؛ موضوعی که تردیدها درباره موفقیت‌آمیز بودن مذاکرات صلح آمریکا با طالبان را با ابهامات و پرسش‌های زیادی روبرو کرده است. اما در سوی دیگر این ماجرا آمریکا اعلام می‌کند که هدفش از مذاکرات با طالبان نه برای خروج از افغانستان، بلکه ترغیب طالبان برای انجام مذاکرات صلح با دولت افغانستان و طرف‌های داخلی است. خلیل‌زاد تهدید کرده است که اگر طالبان آتش‌بس را قبول نکرده و و با دولت افغانستان مذاکره نکند و



تضمین ندهد که گروه‌های تروریستی از حمله داعش به نیروهای آمریکایی حمله نخواهند کرد، از افغانستان خارج نخواهند شد و گزینه نظامی هم‌چنان روی میز واشنگتن خواهد بود. در ضمن، با توجه به مذاکراتی که تاکنون برگزار شده است می‌توان ایران و روسیه (تا حدی قطر) را طرفدار برگزاری نشست‌های صلح افغانستان در قالب گفت‌وگوهای بین‌الافغانی دانست؛ و پاکستان، عربستان سعودی، امارات و آمریکا را حامی مذاکرات دو جانبه آنها با طالبان تلقی نمود. طالبان برای ادامه روند مذاکره عجله‌ای نداشته و قدم به قدم پیش می‌روند، اما در طرف آمریکایی دستیابی به توافق با هدف کاهش تلفات انسانی و هزینه مادی ایالات متحده در جنگ افغانستان و نیز به عنوان برگ برنده ترامپ در مبارزات انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ مدنظر می‌باشد.

با این حال و علی‌رغم برگزاری نه دور نشست صلح در قطر و امارات و دو دور نشست بین‌الافغانی در روسیه و سپس توقف مذاکرات در پایان شهریور ۱۳۹۸، مذاکرات صلح بار دیگر بین آمریکا و طالبان آغاز خواهد شد؛ اما نبود بازیگران داخلی افغانستان در این مذاکرات و عدم شفافیت در توافقات صلح، از مهمترین چالش‌های این مذاکرات خواهد بود. در واقع دستیابی به راه‌حل درخصوص جنگ طولانی افغانستان که نزدیک به دو دهه ادامه دارد، در چند جلسه ممکن به نظر نمی‌رسد. مشکل افغانستان وجود منافع متضاد داخلی، منطقه‌ای و جهانی است.

اما مهم‌ترین معضل افغانستان، اختلافات سیاسی داخلی است که نظر مشترکی در مورد آینده کشور وجود ندارد. عدم اعلام نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۸، حواشی احتمالی ناشی از اعلام برنده این انتخابات (عبدالله یا اشرف غنی) و نوع تعامل دولت جدید کابل با آمریکا و موضوع صلح با طالبان مسئله‌ای تأثیرگذار بر آینده روند صلح در این کشور خواهد بود. به نظر می‌رسد فرآیند کنونی صلح افغانستان (به خصوص در دوحه و ابوظبی) تاکنون باعث به حاشیه

رفتن بسیاری از بازیگران تأثیرگذار داخلی و خارجی در عرصه سیاست افغانستان شده است که خود این موضوع به تنهایی، از پتانسیل به چالش کشیدن امکان هرگونه صلح و نتایج مطلوب آن برخوردار است. افغان‌ها برای مقابله با این وضعیت می‌توانند در این شرایط خودشان یک دست و متحد، به فکر تأمین منافع ملی کشورشان باشند و مذاکراتی را پیش بگیرند که همه شمول باشد، اجماع ملی در آن لحاظ شده باشد، عجولانه نباشد، اختلاف‌افکنی و انحصارطلبی نباشد، اقدامی برای امتیازگیری جهت دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت و منافع محدود وجود نداشته باشد.

فرآیند مذاکرات صلح افغانستان از سوی آمریکایی‌ها نه تنها با شتاب آغاز شده است، بلکه برای دستیابی به توافق نهایی و امضای معاهده صلح با طالبان این روند عجولانه طی می‌شود. در صورتی که مشخص است حصول به توافق در چنین شرایطی و بدون دستیابی به اجماع عمومی، تنها به عنوان راه‌حل کوتاه مدت می‌تواند محسوب شود و لذا نتایج کاربردی و جامع برای آحاد جامعه افغانستان در بلند مدت نخواهد داشت. در مذاکرات دوحه و ابوظبی، زلمی خلیل‌زاد به عنوان مدافع منافع آمریکا فعالیت می‌کند و طالبان نیز در راستای تأمین اهداف و رویکردهای مدنظرشان، در این نشست‌ها به رایزنی با طرف مقابل می‌پردازند که لزوماً این روند به معنای تأمین منافع آحاد مردم افغانستان نخواهد بود. به این معنا که آیا طالبان در این مذاکرات منافع همه اقشار و گروه‌های سیاسی افغانستان را در نظر می‌گیرند؟! چنانچه توافقی میان آمریکا و طالبان صورت بگیرد، این توافق منافع چه طیفی را تأمین و منافع چه گروه‌هایی را در نظر نخواهد گرفت؟! اکنون آمریکایی‌ها بدون حضور نمایندگان دولت افغانستان با طالبان مذاکره می‌کنند و این نشان می‌دهد که دولت افغانستان را جدی نمی‌گیرند. در ضمن، تاکنون خواسته‌های طالبان در مذاکرات تأمین شده است تا آمریکا و کابل و این طالبان بودند که توانسته‌اند موارد مدنظرشان مانند خود مانند آزاد



شدن زندانی‌ها و خروج نیروهای خارجی را تأمین کنند و هم بنوعی در منطقه و جامعه بین‌الملل مشروعیتی برای خود کسب کنند.

در نهایت باید گفت که صلح آمریکا با طالبان به معنای پایان جنگ و خشونت‌ها در افغانستان نیست و اساساً این مذاکره، نوعی مذاکره «جنگ‌سالار با جنگ‌سالار» دیگر است. نه آمریکا امنیت و ثبات افغانستان برایش اهمیت دارد و نه طالبان دنبال نظام اسلامی و حکومت معتدل در این کشور است و این احتمال که پس از رسیدن طالبان به قدرت، تسویه حساب‌های خونین قومی شروع شود، محتمل است؛ چرا که واگرایی قومی، تضاد قومیتی و سیاسی و تمامیت‌طلبی هم‌چنان نمود بیشتری در رویکردهای طالبان دارد و این امر مانع از برقراری امنیت در افغانستان می‌شود.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- باقری، اسماعیل (۱۳۹۷)، «صلح آمریکایی با طالبان منهای دولت»، روزنامه جوان، قابل دسترس در: www.javanonline.ir/fa/news
- باقری، اسماعیل (۱۳۹۸)، «لویی جرگه و مذاکرات صلح افغانستان»، سبیل.
- برگزاری نشست مسکو؛ طالبان خواهان خروج نیروهای خارجی از کشور شدند، (آبان ۱۳۹۷)، قابل دسترس در: <https://www.avapress.com/fa/>
- خلیل زاد و دشواری‌های صلح افغانستان؛ در سه نشست با طالبان چه گذشت؟، (دی ۱۳۹۷)، قابل دسترس در: www.bbcnews.com
- دور بعدی مذاکرات بین‌الافغانی ۲۵ حمل در دوحه برگزار می‌شود»، (۴ فروردین ۱۳۹۸)، قابل دسترس در: <https://www.yjc.ir/fa/news/6875852>
- طالبان در نشست مسکو: قانون اساسی افغانستان اعتبار ندارد، (بهمن ۱۳۹۷)، قابل دسترس در: <https://www.entekhab.ir/fa/news/457756>
- گفت‌وگوی صلح طالبان و آمریکا در امارات؛ آیا جنگ ۱۷ ساله پایان می‌یابد؟، (۲۰۱۸/۱۲/۱۷)، قابل دسترس در: <https://fa.euronews.com/2018/12/17/afghan-taliban-u-s-officials-meet-militants-peace-efforts-united-arab-emirates>
- لاوروف: گفت‌وگوی بین‌الافغانی راه‌حل صلح است»، (۱۶ بهمن ۱۳۹۷)، قابل دسترس در: <http://swn.af/Article.aspx?a=45223>
- محمودی، زهرا (۱۳۹۷)، «بررسی روند صلح در افغانستان»، موسسه مطالعات آسیای مرکزی و افغانستان ایران شرقی.
- مزده، وحید (۱۳۹۷)، «بازیگران رقیب و گفت‌وگوهای صلح افغانستان پس از نشست ابوظبی»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، قابل دسترس در: <http://peace-ipsc.org/fa/>
- نشست نمایندگان طالبان و سران احزاب افغانستان در مسکو برگزار می‌شود»، (بهمن ۱۳۹۷)، خبرگزاری مهر، قابل دسترس در: <https://www.mehrnews.com/news/4530548>
- نشست صلح مسکو؛ طالبان چه می‌گویند، کابل چگونه تفسیر می‌کند؟، (۲۰۱۹/۰۲/۰۶)، قابل دسترس در: <https://fa.euronews.com/2019/02/06/moscow-peace-summit-the-taliban-how-does-kabul-interprets>
- نشست مسکو نشان دهنده وفاداری طالبان به استخبارات روسیه است، (Feb ۲۰، ۲۰۱۹)، قابل دسترس در: http://afghanistan.asia-news.com/prs/articles/cnmi_st/features/2019/02/20/feature-02
- زلمی خلیل‌زاد: صلح با طالبان به معنای پایان جنگ افغانستان نیست، خبرگزاری تسنیم، ۹ اردیبهشت



